



اساس سوسیالیسم  
انسان است.

سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

**منصور حکمت**

**انترناسیونال**

**هفتگی**

بنیانگذار: منصور حکمت

**حزب کمونیست کارگری ایران**

**سردبیر: فاتح بهرامی**

haftegi@yahoo.com  
Fax: 0044-870 120 7768

**۱۴۷**

۲ اسفند ۱۳۸۱

۲۱ فوریه ۲۰۰۳

**جمعه ها منتشر میشود**

**www.haftegi.com**

**دفتر مرکزی حزب**

Tel: 0044-795-051-7465  
Fax: 0044-870-135-1338  
markazi@ukonline.co.uk

## نه به رژیم اسلامی

(۲)

فاتح بهرامی

قبلا در بخش اول این نوشته باین نکته اشاره کردم که "نه" مردم به جمهوری اسلامی نه به تمام مظاهر ضد انسانی آن است. نه به اسلام و قوانین اسلامی، نه به فقر و بیکاری و بیحقوقی، نه به تبعیض و نابرابری و نه به انواع ستم و بیحرمتی در جامعه ای که توسط جمهوری اسلامی به یک جهنم برای انسانها بدل شده است. از اینرو "نه" مردم آری به هر جریانی برای جانشینی رژیم اسلامی نیست، بلکه "نه" به آن جریاناتی نیز خواهد بود که در مقابل حقوق و اراده اکثریت مردم خواهان آزادی و برابری ایستاده اند. و این شامل سلطنت طلبان و کلا جریان راست طرفدار آمریکا هم میشود که دنبال به بند کشیدن آزادی و حقوق مردم کارگر و زحمتکش در فدای پس از جمهوری اسلامی هستند و برای کسب قدرت هم تماما به نقش و عملکرد آمریکا امید بسته اند.

اما از آنجا که دخالت سیاسی و نظامی آمریکا در هر گوشه جهان جز بدبختی و اختناق و تحمیل حکومتهای پلیسی و دیکتاتوری چیز دیگری برای مردم به همراه نداشته، و با توجه به سابقه ننگین سلطنت در ایران و با توجه به اینکه مردم از طریق یک انقلاب در سال ۵۷ رژیم سلطنت را بزیر کشیدند، و بعلاوه اساسا در کشورهای همچون ایران استبداد تمام عیار از ملزومات سرپاماندن یک حکومت سلطنتی است، و بهر حال بخشی از مردم به این حقایق واقفند، آنگاه اعاده سلطنت در ایران با مشکل جدی مواجه است. بهمین دلیل این جریان و مشخصا رضا پهلوی در یکی دو سال اخیر تلاش کرده با ابهام گوئی و سکوت درباره محتوای سیاسی و اجتماعی نوع حکومت مورد نظر خود و با تاکید بر رفراندوم و عدم حمایت آشکار از رژیم سلطنتی تبلیغات خود را پیش ببرد. اما رضا پهلوی در نوشته ای که اخیرا تحت عنوان "میثاق با مردم" منتشر کرده و دو کلام بیشتر از "امروز فقط اتحاد" و "رفراندوم" حرف زده است، با ارزیابی ای که از عملکرد حکومت قبلی و دستگاه سرکوبش ارائه میدهد،

صفحه ۴

نظم نوین جهانی در مصاف با مارش میلیونی صفحه ۲

جهان متمدن به میدان آمده است صفحه ۳

در صورت شروع جنگ

اعتصابات وسیع کارگری برپا خواهد شد صفحه ۳



زنده باد  
۸ مارس  
روز جهانی زن!

صفحه ۳

## آزادی مشروط، آزادی نیست

حمید تقوائی



صفحه ۲

حزب ما همیشه مبلغ و مدافع و خواهان آزادی بدون هیچ قید و شرطی بوده است. آزادی اندیشه، آزادی بیان و قلم و تشکل، آزادی زن، آزادی مذهب و بیمذهبی و سایر آزادهای سیاسی و مدنی که در برنامه حزب مطرح شده همه و همه بدون قید و شرط برسمیت شناخته شده است. در منشور آزادیهای سیاسی که اخیرا دفتر سیاسی حزب منتشر کرد و

حزب ما همیشه مبلغ و مدافع و خواهان آزادی بدون هیچ قید و شرطی بوده است. آزادی اندیشه، آزادی بیان و قلم و تشکل، آزادی زن، آزادی مذهب و بیمذهبی و سایر آزادهای سیاسی و مدنی که در برنامه حزب مطرح شده همه و همه بدون قید و شرط برسمیت شناخته شده است. در منشور آزادیهای سیاسی که اخیرا دفتر سیاسی حزب منتشر کرد و

حزب ما همیشه مبلغ و مدافع و خواهان آزادی بدون هیچ قید و شرطی بوده است. آزادی اندیشه، آزادی بیان و قلم و تشکل، آزادی زن، آزادی مذهب و بیمذهبی و سایر آزادهای سیاسی و مدنی که در برنامه حزب مطرح شده همه و همه بدون قید و شرط برسمیت شناخته شده است. در منشور آزادیهای سیاسی که اخیرا دفتر سیاسی حزب منتشر کرد و

پاسخ مردم به مسخره بازی "انتخابات شوراها" صفحه

گسترش اعتراض خود علیه جمهوری اسلامی است ۴

**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**



## نظم نوین جهانی در مصاف با مارش میلیونی

آذر ماجدی

نوین جهانی که بوش پدر و تاچر در سال ۱۹۹۱ طلوعش را اعلام کردند، میرفت که کاملاً پیاده شود. حمله به عراق در همین راستا و با دستیابی کامل به این هدف طرح ریزی شده است. همبستگی و اعتراض وسیعی که در مقابل این سیاست های راست در سطح دنیا سازمان یافت و در روز ۱۵ فوریه در یک نمایش عظیم و بی سابقه قدرت مردمی تجلی یافت، آمریکا را با یک معضل پیش بینی نشده مواجه کرد. این نمایش قدرت میروند تا سیمای جهان را دگرگون کند. میروند توازن قوا را تغییر دهد. جهان متمن از شوک ۱۱ سپتامبر بیرون آمده است. این همان نیروی سوم، آن غول خفته ای است که پس از یازده سپتامبر منصور حکمت از آن سخن گفت. این نیرو به صحنه آمده است، این غول از خواب بیدار شده است. باید آن را در صحنه نگاه داریم. این تنها نیرویی است که میروند نظم نوین جهانی ارتجاعی بوش و بلر را بر سرشان خراب کند و بشریت را از جهنمی که این نظم برایش به ارمغان خواهد آورد نجات دهد. ■

و در تاثیرات آن بر روند جنگ احتمالی دید و ارزیابی کرد. بعید بنظر میسرند که اتحاد کثیف بوش و بلر در مقابل این اعتراض وسیع جهانی از موضع ضد انسانی تهاجم به عراق عقب بنشینند. این عقب نشینی بمعنای پذیرش مفتضحانه شکست در مقابل انساندوستی مردمی است که تاکنون عمدتاً در قالب اکثریت خاموش عرض اندام میکردند. باید در نظر داشت که پس از یازده سپتامبر دولت آمریکا در موقعیت کاملاً قدرتمند و یکه تازی قرار گرفت. توانست کل غرب را پشت خود بسیج کند. توانست کلیه حملات خود به حقوق و آزادیهای پایه ای و انسانی را به راحتی و بدون مقاومت وسیعی به نتیجه برساند. حقوق مدنی در آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی بشدت مورد حمله قرار گرفته است. راسیسم بشدت رشد یافته است. دخالت دولت در زندگی خصوصی شهروندان گسترش یافته و دست دولت در دستگیری و بازداشت و سلب آزادی شهروندان کاملاً باز شده است. در عرصه بین المللی آمریکا توانست به قدرت بلامنزاعی دست یابد. نظم

۱۵ فوریه ۲۰۰۳ یک روز تاریخی و مهم بود. چندین میلیون نفر در ۶۰۰ شهر جهان علیه قدرتی آمریکا، علیه قدرتی آمریکا و علیه حمله به عراق به خیابانها آمدند. این یک واقعه بیسابقه و تعیین کننده در سرنوشت سیاسی دنیا است. حتی در اوج جنبش علیه جنگ ویتنام و علیه امپریالیسم آمریکا ما شاهد چنین نمایش قدرت و همبستگی جهانی نبودیم. جنبش ضد جنگ ویتنام موجبات شکست مفتضحانه بورژوازی آمریکا را فراهم کرد و مدت چندین سال آمریکا را در یک موضع تدافعی قرار داد. جنبش ضد جنگ کنونی از جنبش ضد امپریالیستی دهه ۶۰ و ۷۰ بسیار وسیعتر و همه گیرتر است. نمایش قدرت ۱۵ فوریه یک نقطه عطف مهم است و میروند زمینه ساز چرخشی جدی و مهم در اوضاع جهانی و توازن قدرت مردم در مقابل تروریسم دولتی آمریکا و ناتو گردد. اهمیت و نقش این مارش چند میلیونی آنچنان در موفقیت در جلوگیری از حمله آمریکا نیست. اهمیت این جنبش و این حرکت را باید در تاثیرات دراز مدت تر آن

راضی و وطن و پرچم و افتخارات ملی-میهنی ای از این قبیل مقدساتی است که بزعم ناسیونالیسم از تخت افتاده نباید هیچ خنده ای بر آنها وارد شود. اینها حد آزادیها را در تفکر و سیاست ناسیونالیستی مشخص میکنند؛ آزادی که این مقدسات را بخطر پیاندازد هرج و مرج است و عامل آن وطن فروش و مخمل نظم و امنیت ملی. با حلقه واسط این نوع مقدسات است که اختناق چه در نوع مذهبی و چه ناسیونالیستی آن، بر خود نام "آزادی مشروط" میگذارد.

معمولاً از این قید و شرطها تحت عنوان جلوگیری از هرج و مرج دفاع میشود. میگویند آزادی بیقید و شرط عامل هرج و مرج است. اما واقعیت عکس این را نشان میدهد. این قید و شرط گذاشتن به آزادی است که هرج و مرج بوجود میآورد. تناقض و اصطکاک میان انواع مختلف مقدسات ملی و مذهبی و غیره، آنجا که یک حزب و گروه، یک ملیت و یا یک مذهب، توان یک کاسه کردن قدرت سیاسی و برقراری دیکتاتوری خود را نداشته باشد، به هرج و مرج و از هم پاشیدن شیرازه جامعه می انجامد. هر حزب و دسته ای پرچم مقدسات خود را بلند میکند و بجان دیگری میافتد. متناظرترین نمونه تاریخی این نوع هرج و مرج تجربه بالکان پس از خاتمه جنگ سرد است. هم پوسنیایی میخواست ملت خود را آزاد کند و هم کرواتی و هم نیم دوچین قوم و ملت دیگری که در یوگسلاوی سابق میزیستند. همه "آزادیخواه" بودند اما با مقدسات ملی-قومی-مذهبی خاص خودشان و آزادی را برسمیت میشناختند تا آنجا که به این مقدسات توهین نشود. و این توجیه دموکراسی پسند جنگ فبیج خانه بخانه ای بود که کل منطقه را به آتش کشید.

تجربه یوگسلاوی همانند ده ها تجربه تاریخی دیگر نشان داد که راه جلوگیری از هرج و مرج، بویژه در جوامعی که مقدسات و تعصبات ملی و مذهبی و قومی و نژادی در آنها قوی است، محدود و مشروط کردن آزادی نیست، بلکه برعکس، برسمیت شناسی بی قید و شرط آزادیهای سیاسی و مدنی است.

حقیقت آنست که حفظ حرمت و هویت انسانی اساس و مبنای آزادی است و هر نوع قید و شرطی از آنجا که هویت جهانشمول انسانی را تحت الشعاع هویت گروهی، مذهبی و ملی و قومی و جنسی و غیره، قرار میدهد با آزادی در اساس متناقض است. آزادی نمیتواند به چیزی جز هویت جهانشمول انسان متکی باشد. ■

از صفحه ۱

## آزادی مشروط، آزادی نیست

نخواهد شد؟ آیا نباید برای حراست از ارزشها و مقدسات و اخلاقیات و معیارهایی از این قبیل محدودیتهایی را برسمیت شناخت؟ جواب ما به این سوالات منفی است. نه به این خاطر که میخواهیم افراطی و ماکسیمالیست باشیم و یا آزادیهای بیشتری را طلب میکنیم بلکه به این علت که آزادی مشروط اصولاً آزادی نیست، انقیاد است. کسی که آزادی را مشروط میکند آنرا محدود نمیسازد، بلکه کلاً آنرا نفی میکند. همه دیکتاتورها به مردم آزادی میدهند اما به شرط آن و تا آنجا که به قدرت مطلقه آنها خنده وارد نشود. معمولاً نام این قدرت مطلقه را هم امنیت ملی و مصالح جامعه و نظم و آرامش و غیره میگذارند. شاه سابق کمونیستها و آزادیخواهان مخالف خود را تحت همین عناوین به زندان میانداخت و بچوخه های اعدام میسپرد. حاکمین فعلی اهانت به اسلام و امام و ارتداد و غیره را نیز به این لیست افزوده اند. شرط حفظ کبان اسلام را به آزادی اضافه کنید به اختناق جمهوری اسلامی میرسید. این شرط را "اصلاح طلبان" دو خردادی نیز کاملاً قبول دارند و اساس دموکراسی اسلامی که بمرمد وعده میدهند چیزی بجز همین حفظ مقدسات اسلامی نیست. کافی است تا این شرط مقدس با قلم و زبان و حتی در فکر شما نقض شود تا حتی آزادی نفس کشیدن را از شما سلب کنند.

یکی از شروط دیگر که معمولاً وقتی صحبت از آزادی زنان بمیان میآید در صدر لیست قرار میگیرد، اخلاقیات و عفت و ناموس است. میگویند آزادی زن بی بند و باری به همراه میآورد. و با همین شرط پنجاه در صد جامعه را از ابتدائی ترین آزادیها که معمولاً برای مردان برسمیت شناخته شده محروم میکنند.

ممکن است گفته شود جمهوری اسلامی جنایتکار تر و وحشی تر از آنست که نمونه تیبیککی برای نقض آزادی از طریق مشروط و مقید کردن آن بشمار آید. جمهوری اسلامی ممکن است نمونه عریان و رسوای این نوع برخورد به آزادی باشد اما حتی در صحنه سیاست امروز ایران بهیچوجه تنها نمونه نیست. اپوزیسیون راست نیز مقدسات خود را دارد. تمامیت

## ۸ مارس

### علیه حجاب اجباری، علیه آپارتاید اسلامی به خیابان بیایید!

هنرود تعیض و نابرابری تاکید کنیم. اعلام کنیم که زنان و مردان این جامعه الگوی عقب مانده را نمیخواهند، آزادی و برابری میخواهند. اعلام کنیم که انقلاب بزرگی در راه است و در گام اول آن رژیم ضدزن اسلامی، حجاب اجباری، آپارتاید جنسی و کل قوانین و ایدئولوژی حاکم جارو خواهد شد.

**زنده باد روز جهانی زن!**  
**زنده باد حقوق جهانشمول زنان!**  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۷ بهمن ۱۳۸۱

بزیر میکشیم. رژیم اسلامی در تمام طول حیاتش در حال کشمکش بدون وقفه با زنان بوده است و در این جدال ارتجاع و آزادی، جمهوری اسلامی بازنده است. زنان و مردان آزادیخواه نه حجاب و نه آپارتاید اسلامی را نپذیرفتند و میروند که این عمارت ننگین و پرچمش را بزیر بکشند. ۸ مارس روز اعلام اراده و پرچم بین المللی آزادی زن است. در ۸ مارس، روز جهانی زن، متحدانه بر خواست الغای حجاب اجباری و الغای آپارتاید جنسی و الغای

حجاب اسلامی پوشش نیست، پرچم ایدئولوژیک و ضد زن آپارتاید اسلامی است. حجاب سند مالکیت بر زن، سند فرودستی زن، سند حقارت زن در نظام ضد زن باندهای اسلامی در ایران و منطقه است. حجاب یونیفورم رژیم آپارتاید جنسی است. حجاب اجباری نتیجه جنگ و کشمکش خونین رژیم اسلامی با زنان آزادیخواه ایران است. حجاب پرچم پیروزی ارتجاع اسلامی بر جنبش آزادی و برابری در انقلاب ۵۷ است. حجاب و حکومت اسلامی ماهیتاً ضد زن است. این پرچم و این حکومت را

## ۱۵ فوریه فراموش نشدنی است جهان متمدن به میدان آمده است

فاتح شیخ الاسلامی



مارش مردم شرافتمند دنیا در ۱۵ فوریه فراموش نشدنی است. نه فقط چون چنین مارش عظیمی در یک روز با یک هدف و در این بعد گلوبال در تاریخ معاصر بیسابقه است، بلکه بعنوان یک حرکت سیاسی توده ای که در لحظه ای بسیار حساس، ورق را به زیان قدرقدرتی نظامی آمریکا برگرداند فراموش نشدنی است. روز قبل، شورای امنیت صحنه مانور و جدال قدرت دولتهای قلیچماق سرمایه داری، صحنه بروز شکاف در ائتلاف متحدان جنگهای دوازده سال اخیر بود، روز قبل مردم دنیا با نفسهای در سینه حبس کرده نظاره گر و نگران بودند که آیا این جدال و شکاف در صفوف دول مرتجع خطر جنگ قلدرمنشانه بوش و بلر و همکاسه هایشان را دور خواهد کرد یا نه. ۱۵ فوریه مردم با عزم قوی و اعتماد بنفس بسیار بالا به جلوی صحنه آمدند تا این خطر را با نیروی خود به عقب برانند و شکاف صفوف مقابل را عمیقتر کنند. جهان متمدن در هر پنج قاره به میدان آمد تا به جینگوئیسم افسارگسیخته بوش و بلر افسار بزند. ۱۵ فوریه روز نمایش قدرت انترناسیونالیستی مردم شرافتمند در خیابانهای صدها پایتخت و شهر بزرگ جهان بود و این بار ائتلاف آمریکا و متحدانش بعنوان نظاره

گران این مارش پر قدرت، ناچار شدند چرتکه بیندازند و در محاسبات خود تجدید نظر کنند. مردم با فریاد شعارهایشان به جنگ طلبی و قلدری امپریالیستی آمریکا و انگلیس "نه" گفتند، با پاهایشان به سیاست های بوش و بلر رای منفی دادند و توانستند یکروزه توازن قوا را به نفع خود عوض کنند. ظرف چند ساعت لحن مطبوعات و میدیای غرب آشکارا از سمپاتی به جنگ به جانب سمپاتی به احساسات ضدجنگی مردم چرخید. تا همینجا روشن است که رویای نظم نوینی آمریکا اگر جنگش را هم تحمیل کند باز سنگ روی یخ شده است. تا همینجا روشن است که حریف اصلی "نظم نوین جهانی" آمریکا کارگران جهان و مردم متمدن جهانند نه فرانسه و آلمان و روسیه. تا همینجا روشن است که این حرکت توده ای چنان گوه ای به شکاف قدرتهای اصلی سرمایه داری زده که آن را غیر قابل پل زدن کرده است. معلوم شد هر وقت مردم اراده کنند، میدان واقعی جدال برای تغییر توازن قوا خیابانهاست نه شورای امنیت. قابل توجه اینکه این اعتراضات آنقدر عظیم و اصیل بود که جریانات اسلامی و ناسیونالیسم عربی طرفدار صدام حسین

## اخطار بزرگترین اتحادیه های کارگری بریتانیا به تونی بلر: در صورت شروع جنگ اعتصابات وسیع کارگری برپا خواهد شد

دبیران پنج اتحادیه بزرگ بریتانیا به تونی بلر اخطار کردند که در صورت شروع جنگ علیه عراق، اعتصابات وسیع کارگران همه صنایع بریتانیا را فرا خواهد گرفت. بنا به نوشته روزنامه گاردین دبیران بزرگترین پنج اتحادیه

کارگری بریتانیا در سخنرانی هایشان در نشست "ائتلاف ضد جنگ" در آستانه برپایی مارش ۱۵ فوریه علیه جنگ، خطاب به تونی بلر گفتند: روزی که اولین بمب به عراق زده شود آن روز شاهد دست از کار کشیدن وسیع کارگران در همه رشته های صنایع بریتانیا خواهد بود. قبلا کارگران راه آهن در یکی از شهرهای بریتانیا بعنوان اعتراض به جنگ آمریکا و انگلیس علیه عراق از بار زدن ماتریلهایی که مورد استفاده جنگی داشتند خودداری کرده بودند.

یکی از دبیران این اتحادیه ها در سخنرانی خود با یادآوری جنگ سوئز - حمله مشترک آمریکا و انگلستان و فرانسه و اسرائیل به مصر در ۱۹۵۶ - گفت احساسات ضد جنگ امروز شبیه احساسات ضد جنگ آن روزهاست. او گفت آنتونی ایدن نخست وزیر وقت انگلستان به این احساسات توجه نکرد و سقوط کرد. تونی بلر هم اگر تغییر مسیر ندهد به همان سرنوشت خواهد افتاد. دبیر یکی

### حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ بهمن ۱۳۸۱  
۱۸ فوریه ۲۰۰۳

نظام تبعیض گر طبقاتی سرمایه داری ممکن خواهد شد. حزب کمونیست کارگری خواهان برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو کلیه قوانین و مقرراتی است که ناقض این اصل است. ۸ مارس روز جهانی زن را به روز اعتراض جهانی علیه تمامی اشکال ستم بر زن تبدیل کنیم.

### زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن!

### زنده باد آزادی، زنده باد برابری!

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۸ فوریه ۲۰۰۳  
۲۹ بهمن ۱۳۸۱

به تبعیت از قوانین و مناسبات ارتجاعی و قرون وسطایی وادار کند. مبارزه عظیم زنان علیه جمهوری اسلامی برای برابری و آزادی یک رکن مهم تحولات آزادیخواهانه در شرایط حاضر است.

### زنان و مردان آزادیخواه

حزب کمونیست کارگری برای برابری کامل و بدون قید و شرط برابری زن و مرد و آزادی زن در تمامی شئون مبارزه میکند. این حزب به صف مقدم جنبش برابری طلبی و مبارزه اجتماعی علیه تبعیض و نابرابری انسانها تعلق دارد. برابری و رفع تبعیض یک اصل بنیادی جامعه آزاد سوسیالیستی است که با سرنگونی

ستم بر زن اساسا ریشه در ملزومات و مصالح اقتصادی و سیاسی جامعه سرمایه داری و بازار و سود و انباشت سرمایه دارد. جامعه ای که بر مبنای نابرابری انسانها بنا شده است خود نابرابری و ستم بر زن را هر روزه تولید و باز تولید میکند.

در ایران بیش از دو دهه است رژیم فوق ارتجاعی اسلامی از هیچ جنایتی علیه زنان کوتاهی نکرده است. حجاب اجباری و آپارتاید جنسی در جامعه تنها گوشه ای از ستم بر زنان در ایران است. خشونت سازمان یافته و اقدامات هر روزه چماقداران دولتی و شخصی گوشه دیگری از عملکرد این هیولای اسلامی است. اما با اینهمه رژیم اسلامی قادر نشده است زنان را

## زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن!

"آزادی زنان معیار آزادی جامعه است"

بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق تر است، ستمکشی زن و بیحقوقی و فرودستی او در آشکارترین و زمخت ترین اشکال خودنمایی میکند.

منشاء خشونت و ستم و بی حقوقی زن هر چه بوده باشد، از هر منفعت تاریخی سرچشمه گرفته باشد، هر بهانه و خرافه و تعصب پوسیدهای منشاء آن باشد، امروز

۸ مارس روز جهانی زن، روز اعتراض ما به هر شکلی از ستم بر زن، روز ابراز انزجار از موقعیت فرودست زن است. محرومیت و ستم بر زن، نابرابری زن و مرد یک صفت مشخصه جهان کنونی است. حتی در مهد تمدن جهان معاصر سرمایه داری هم سهم اکثریت عظیم زنان تبعیض و نابرابری است. در جوامعی که نفوذ مذهب و سنت های کهنه

## از صفحه ۱ نه به رژیم اسلامی

گوشه ای از نگاه واقعی خود به محتوای رژیم سلطنتی را به نمایش میگذارد.

رضا پهلوی در جنایات پدرش شریک نیست اما بنظر میرسد نمیتواند از تیره پدر و توجیه عملکرد دستگاه سرکوب تحت فرمان شاه نیز صرفنظر کند. دلیلش هم عدم اطلاع از تاریخ یا جوک "شاه خوب بود، اطرفیانش بد بودند" نیست. بلکه مساله اینست که اگر در بیست و پنج سال حکومت شاه اختناق و سرکوب و شکنجه و ساواک را برسمیت بشناسد و دلایل استبداد شاهنشاهی را توضیح دهد آنگاه با هیچ بند بازی ای نمیتواند متفاوت بودن ماهیت رژیم از تخت افتاده شاه را با حکومت سلطنتی فرضی ایشان توضیح دهد. ما قبلا درباره دلایل اقتصادی و سیاسی ای که ایجاد میکند یک حکومت سلطنتی در ایران بر یک ساختار استبدادی پلیسی و نظامی استوار باشد به تفصیل و مستدل حرف زده ایم و در اینجا به آن نمیپردازم. اتفاقا اشاره رضا پهلوی در نوشته اش به "مشروعیت مردمی پادشاهان" که گویا با تدابیری میشود آنرا از مکانیزم موروثی بودن خارج کرد، یک تلاش ناشیانه برای استتار ماهیت استبدادی و پلیسی حکومت سلطنتی در ایران است. انگار سلطنت در ایران فقط باین دلیل "پادشاهی دموکراتیک" نبوده که مثلا چهار سال یکبار به یک بازی رای گیری برای "تجدید حمایت مردمی" از شاه دست نزده بودند!

آقای رضا پهلوی در این نوشته البته خود را درگیر بررسی سابقه جنایات بیست و پنجساله حکومت شاه نمیکند. در عوض تلاش میکند تا گزارشی از معصومیت پدر و فرماندهان ارتش در آخرین لحظات حکومت را گزارش کند. البته ایشان گزارش خود را "به شهادت همه کسانی که خاطرات آن روزهای خود را بعدها نوشتند و منتشر کردند" ارائه میدهد. طبق این شهادت ها پدر ایشان "در برابر اعتراض عمومی دستور کشتار نداد و خواست عمومی ملت را با زور اسلحه پاسخ نداد". همانطور که خودشان میگویند آژمان جوانی بودند که برای ادامه تحصیل در خارج بسر میبردند و در ۱۷ شهریور ۵۷ در میدان ژاله تشریف نداشتند و کشتار عمومی مردم را مشاهده نفرموده اند، از ارتشی که تظاهرات بیکاران را به گلوله می بست سان ندیده اند، و بخاک افتادن مردم معترضی را که بخاطر تظاهرات سینه هایشان با گلوله های تفنگ نیروی سرکوب شکافته میشد ندیده اند. و ظاهرا خاطرات منتشره ای که در اختیار شاهزاده قرار گرفته، کشتار و خونریزی وحشیانه مردم توسط نیروی سرکوب تحت فرمان شاه را سهوا از قلم انداخته است! در مقابل تصویر شاه در "میشاق با مردم" کسی است که "ندای مسالمت جوئی و دعوت به مصالحه با مردم" داشت و "برای آبادانی کشور زحمات فراوان

کشیده بود"، و داوری درباره "حقانیت اقدامات" او به تاریخ واگذار شده است. در کنار این تصویر از شاه البته لطف شاهزاده شامل حال فرماندهان ارتش هم میشود که "جز عمل به وظیفه خویش در برقراری نظم و امنیت عمومی گناهی نداشتند" که برخی از آنان توسط جنایتکاران اسلامی اعدام شدند. همین اندازه از روایت و دفاع رضا پهلوی از شاه و حکومت آن و روز روشن کارنامه جنایات آنرا شستن، و دستور فرماندهان ارتش مبنی بر به گلوله بستن مردم و قتل عام آنها را بعنوان وظیفه و برقراری نظم و امنیت جا زدن باید برای توضیح ماهیت "پادشاهی دموکراتیک" ایشان کفایت کند.

از میان نکات دیگر "میشاق با مردم" یک نکته دیگر هم جالب است، برخورد آقای رضا پهلوی به "اسلام". ایشان وقتی از جمهوری اسلامی حرف میزند اسلامی را در گیومه میگذارد و تاکید میکند که این جمهوری اسلامی نه جمهوری است و نه اسلامی، بلکه آبروی اسلام را برده است و به "دین مردم که اکثریتشان مسلمان اند صدمه های جبران ناپذیری وارد کرده است". البته ایشان در روایت اخیر منبع این خبر جدید مربوط به اکثریت مسلمان را اشاره نکرده اند. شاهزاده افراطی تر از پدر در دفاع از اسلام حتی جمهوری اسلامی را اسلامی نمیداند و در دفاع جانانه ای که از "اسلام" و معتقدات اصیل روحانی اش "بعمل میآورد انصافا دست برخی از دوخرداها را از پشت بسته است. این درست است که "شاه سایه خدا" بوده و سلطنت بدون دستگاه مذهب آموزش نمیگذشته اما در شرایطی که فاصله زیادی به هجوم عظیم و میلیونی مردم ایران به اسلام و مظاهر آن نداریم، این درجه دفاع از اسلام در جامعه ایران برای شاهزاده مدعی تاج و تخت مثل قوز بالا قوز میشود. واقعیت اینست که آنچه آقای رضا پهلوی در این نوشته اشاره میکند و تصویری که از رژیم گذشته بدست میدهد، نه میشاق با مردم بلکه میشاق با دشمنان مردم را تاکید میکند.

بنابراین واضح است که چرا "نه" مردم با "نه" جریان سلطنت طلب به رژیم اسلامی نه تنها یکی نیست بلکه کاملا نقطه مقابل هم است. کوچکترین تشابهی بین خواست مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی با خواست جریان سلطنت طلب وجود ندارد. خواست مردم آزادی است و این در مقابل استبداد سلطنتی و اسلامی هر دو است. مردم به رژیم اسلامی نه میگویند چون خواهان آزادی و برابری و رفاه و حرمت انسانی هستند. خواهان جامعه ای هستند که معیار انسان باشد و هیچ منفعت ملی، مذهبی، قومی، گروهی و دولتی، آزادی و برابری و انسانیت مردم جامعه را تحت الشعاع خود قرار ندهد. بهمین دلیل این حزب کمونیست کارگری است که در صف مقدم این مبارزه آزادیخواهی و مساوات طلبی علیه جمهوری اسلامی "نه" مردم را نمایندگی میکند.

## پاسخ مردم به مسخره بازی "انتخابات شوراها" گسترش اعتراض خود علیه جمهوری اسلامی است

در حالیکه همه جناحهای رژیم در تلاشند تا بساط مسخره "انتخابات شورا" را از افترض و رسوایی کامل نجات دهند، این "انتخابات" هر روز بیشتر در معرض تمسخر و تنفر گسترده مردم قرار میگیرد. نه التماس جناح راست، نه تلاش دو خرداها و ورشکسته، نه آستین بالا زدن نهضت آزادی و جریانات موسوم به "ملی - مذهبی" و نه دم گرفتن شرم آور اکثریت و حزب توده و دیگر شرکا نتوانسته است حتی کاندید کافی برای برگزاری این نمایش رسوای "مردمسالاری اسلامی" جمع کند. در انظار مردم روشن است که آنچه در رژیم اسلامی "انتخابات" نام گرفته نه تنها انتخابات نیست بلکه اهانت به انتخابات، اهانت به اصل دخالت آحاد مردم در سرنوشت سیاسی جامعه، اهانت به حق رای شهروندان و سرکوب عمومی این حق ابتدایی بوده است. مردمی که هر روز به جمهوری اسلامی "نه" میگویند واضح است که به این مسخره بازی نه قاطع میگویند و شرکت

### مردم آزادخواه!

حزب کمونیست کارگری ایران شما را فرامیخواند که مسخره بازی رژیم زیر نام "انتخابات شوراها" را تماما رسوا کنید و با گسترش هرچه بیشتر اعتراض علیه رژیم به آن پاسخ دهید. با اعتراضات گسترده خود رژیم را به پرتگاه سقوط برانید. سرنگون کردن رژیم از راه انقلاب توده ای و برقراری جمهوری سوسیالیستی کوتاه ترین راه تامین آزادیهای سیاسی و مدنی از جمله حق رای و حق انتخاب در جامعه است.

### حزب کمونیست کارگری ایران

اول اسفند ۱۳۸۱  
۲۰ فوریه ۲۰۰۳

### برای یک دنیای بهتر

برنامه تلویزیونی علی جوادی

از طریق ماهواره در تلویزیون کانال ۱

سه شنبه ها، ۸:۳۰ شب

جمعه ها ۳:۲۰ بعدازظهر

بوقت تهران

Fax: 001(208) 2464221

روی اینترنت

www.rowzane.com/tv/alijavadi

### رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۴۹۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

Tel: 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0046 8 659 0755

رادیو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

### سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org

www.m-hekmat.com

www.wpibriefing.com

www.jawanan.org

www.marxsociety.com

www.rowzane.com

www.childrenfirstinternational.org

www.azadizan.com

www.medusa2000.com

www.hambastegi.org

www.iwsolidarity.com

www.kvwpiran.org

www.panjereh.org

مرگ بر جمهوری اسلامی!  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!